

خوانش منظر خیابان

بالا خیابان و پایین خیابان شهر مشهد به مثابه آستانه تشریف به حرم رضوی (ع)

مهدی حسین زاده

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

محمد آتشینبار*

دکتری معماری با گرایش منظر شهری، پژوهشکده نظر، تهران، ایران.

پوریا علایی

کارشناس ارشد شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱

چکیده | بالا خیابان (خیابان بالاسر) و پایین خیابان (خیابان پایین پا) نخستین مداخله در مقیاس شهری، توسط حکومت صفویه به عنوان اولین خیابان شهر مشهد احداث شد و محوری شرقی-غربی به مرکزیت حرم مطهر ایجاد کرد. این خیابان همواره در طول تاریخ نقشی مهم در سازمان فضایی شهر و در ذهن شهروندان ایفا نموده و از همین روی، همواره مورد توجه تمام حکومت‌ها بوده است. اما مداخلات صورت گرفته طی چند دهه اخیر (به خصوص پهلوی دوم تا امروز)، موجب برهم خوردن شاکله بافت، ساختارها، محلات و نظامات حاکم بر آن شده، ساکنان را به عنوان بهره‌برداران اصیل بافت، بیرون رانده و موجب بروز معضلات عدیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... شده است. پژوهش حاضر یک مطالعه استنباطی است که با تحلیل منابع مختلف در سه دوره تاریخی به خوانش منظر بالا خیابان و پایین خیابان در شهر مشهد می‌پردازد. سه دوره سنت (قبل از پهلوی): با استفاده از اسناد تاریخی و آثار روشنفکری، پهلوی: با استفاده از اسناد تاریخی و اسناد شهری و بعد از انقلاب اسلامی: با استفاده از اسناد شهری و مصاحبه عمیق بررسی شدند. بر مبنای رویکرد منظر هدف این پژوهش کشف نقش «بالا و پایین خیابان» در سازمان فضایی شهر مشهد است. با جمع‌بندی مطالعات پژوهش، این گونه استنباط می‌شود که تا قبل از شروع مداخلات شهری اولین طرح جامع در دوره پهلوی، عناصر تشکیل دهنده منظر محور مورد مطالعه به گونه‌ای هماهنگ، برای هدفی واحد در ارتباط با یکدیگر ایفای نقش کرده‌اند. علی‌رغم بحران به وجود آمده و تأثیرات مخرب آن بر صورت و کالبد خیابان در دوره معاصر، قدرت ادراکات ذهن و اندیشه انسان به عنوان مخاطب همواره بر ماده غلبه داشته است، به طوری که معنای ذهنی آن، یا به عبارت بهتر منظر این خیابان هنوز تا حدی پابرجا و با مداخلاتی در جهت نقش اصلی آن قابل احیاست. نتیجه‌گیری گویای آن است که خیابان مورد مطالعه همواره به عنوان محوری متعالی در ذهن مخاطبانش ایفای نقش کرده که به مفهوم مقدس زیارت پیوند خورده است.

واژگان کلیدی | منظر خیابان، مشهد، بالا خیابان، پایین خیابان.

شیعیان، توسعه پیدا کرد و توانست با برتری از دهکده‌های اولیه سناباد، تابران و طوس به مرکزیت خراسان بدل شود. هسته اولیه و کانونی شهر به مرکزیت بارگاه امام رضا (ع)

مقدمه | شهر مشهد که بیش از هزار سال از شکل‌گیری آن می‌گذرد به واسطه قرارگیری آرامگاه مقدس امام هشتم

* نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۱۹۷۹۸۲۶@babak.atashinbar@gmail.com

ساختار چشم‌انداز بصری شهر از طریق اقدامات و فعالیت‌های خود بر منظر شهری تأثیر می‌گذارند، بلکه رفتار و درک ذهنی شهروندان نیز از طریق تماس با منظر شهری تأثیر می‌پذیرد (Lazarevic, Kekovic & Antonic, 2017, 4).

اگرچه در تعاریف اولیه، منظر شهری معطوف به وجه عینی شهر بود اما به تدریج و با پیشرفت این علم تعاریف مربوط به آن نیز کامل شد. بنابراین می‌توان گفت منظر شهری دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند و با کالدهای طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند که در تداوم حیات معقول آنها نقش اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۳). پیچیدگی ابعاد شهر باعث شده نگرش سیستمی به عنوان ابزاری علمی برای تحلیل و شناخت عناصر شناساننده شهر مورد توجه قرار گیرد. مطالعات صورت‌گرفته در حوزه سازمان فضایی شهر از جمله این تلاش‌هاست که خیابان را به عنوان شناسه اصلی ساخت شهر معرفی می‌کند (آتشین‌بار، منصوری و شیپانی، ۱۳۹۱، ۹۴). سازمان فضایی به نوعی نظم شهر از دیدگاه شهروندان در فضا و محیط زیست جمعی آنهاست، این مفهوم انضباط میان نقش و جایگاه عناصری خواهد بود که شهر را به عنوان یک مجموعه معرفی می‌کند و این توزیع نظام‌مند در راستای عملکردهای عمومی هر واحد در کنار هم خواهد بود (koohsari et al, 2017, 5). به بیان دیگر سازمان فضایی در شهر رخدادی است زنده که با پویایی مداوم از تغییرات و تحولات پیرامونی نشئت گرفته و غالباً به واسطه هویت فضایی شهر و تأثیرپذیری از تغییرات، ظهور و بروز عناصر متناسب جدید دچار دگرگونی می‌شود (Lenzholzer, Klemm & Carolina, 2018, 4). از همین رو توجه بیش از پیش به مداخلات در مقیاس نظم فضایی شهرها ضروری است. خیابان عنصر اصلی شهر و یک زیرسیستم در سازمان فضایی شهر محسوب می‌شود. با توجه به تنوع اجزای آن، خود یک سیستم باز پیچیده است که از قواعد ذیل پیروی می‌کند:

- خیابان یک کل است.
- عناصر خیابان وابستگی متقابل داشته و مستقل از هم نیستند.
- نظم خیابان بیانگر رابطه میان عناصر آن است.
- خیابان دارای زیرسیستم‌هایی است که به صورت سلسله‌مراتبی نسبت به هم عمل می‌کنند (آتشین‌بار، منصوری و شیپانی، ۱۳۹۱، ۹۵). منظر خیابان به مثابه ادراک شهروندان از شهر، دارای ابعاد متنوعی است که در کلیت خیابان به ظهور می‌رسد؛ خوانش نظم خیابان با دربرگرفتن تمامی اجزای خیابان در یک سیستم، در حقیقت تفسیر منظر خیابان و گویای قدرت‌های شکل دهنده به خیابان است (همان، ۹۹).

شکل گرفت و با جذب ارادتمندان و شیفتگان به گرداگرد خود از اقصی نقاط کشور و جهان، بر جمعیت آن افزوده شد. به علاوه این ویژگی به عنوان اصلی‌ترین تشخیص شهر، با توجه به توسعه ناگزیر ناشی از افزایش جمعیت شهر، دستخوش مداخلات گوناگونی شده است. نخستین و مهمترین مداخله شهری به صورت جدی در شهر مشهد، احداث خیابان چهارباغ موسوم به بالاخیابان و پایین خیابان در دوره صفویه بوده است که از دروازه بالاخیابان (دروازه قوچان) شروع و پس از گذشتن از صحن عتیق در کنار بارگاه مطهر تا دروازه پایین خیابان امتداد داشته است (منجم یزدی، ۱۳۶۶، ۳۲۸). احداث این خیابان و صحن عتیق به عنوان مداخله‌ای در مقیاس کلان در شهر، به واسطه ایجاد یک محور پویا و سرزنده متشکل از عناصر طبیعی آب و درخت، در تقویت حریم بارگاه به عنوان مرکز در سازمان فضایی شهر و به تبع آن ارتقاء منظر و کیفیت شهر نقش بسیار مؤثری داشته و با ایجاد یکی از مهمترین محورهای تشریفی به سمت حرم مطهر نقشی ساختاری در سازمان بافت شهری ایفا کرده است. در گذر زمان این محور نقش اصلی را در توسعه شهری بر عهده گرفته و خود به عنوان محور اصلی شهر، پایدار مانده است. همچنین این محور حامل بار معنایی و خاطره جمعی شهر به عنوان محوری اصیل و هویت‌مند برای شهروندان شده است. با این وجود مدیریت شهری در طی سالیان اخیر بدون در نظر گرفتن نقش ساختاری و هویتی این محور، با مداخلات گسترده در بافت مرکزی و تاریخی شهر تحت عنوان طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم، موجب برهم خوردن نظام حاکم بر آن شده و جنبه‌های کیفی آن را به شدت تنزل داده است. پژوهش حاضر به دنبال خوانش منظر بالاخیابان و پایین خیابان به عنوان محور اصیل و هویت‌مند شهر مشهد و کشف نقش آن در ذهن مخاطبان است تا بتوان از این طریق به بهترین پاسخ‌ها در جهت ارتقاء منظر خیابان در دوره کنونی دست یافت.

بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که: نقش بالاخیابان و پایین خیابان از گذشته تا به حال در سازمان فضایی شهر مشهد چه بوده و چه تحولاتی داشته است؟ در جهت پاسخگوی به این سؤال، این فرضیه مطرح می‌شود: به نظر می‌رسد این محور در طول زمان تا قبل از مداخلات دوره پهلوی دوم دارای نظامی یکپارچه در راستای تحقق امر زیارت بوده است اما مداخلات صورت‌گرفته از پهلوی تا دوره معاصر نقش و هدف آن را دچار اختلال کرده است.

منظر خیابان

منظر شهری به فرایندی اطلاق می‌شود که ماحصل سطح تماس انسان و شهر است از همین رو انسان‌ها نه تنها در

روش تحقیق

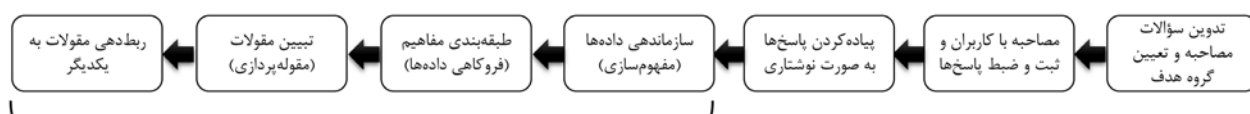
این پژوهش با رویکرد کل‌نگر و به‌صورت کیفی در پی خوانش منظر و کشف نقش بالاخیابان و پایین‌خیابان در سازمان فضایی مشهد است. در دیدگاه منظر دو روش اصلی برای کشف ادراکات مخاطبان فضا مطرح می‌شود: اول از طریق تهیه و تحلیل پرسشنامه و مصاحبه با مخاطبان اصلی فضا و دوم بررسی و تحلیل آثار روشنفکری (فیلم، عکس، شعر، سفرنامه و...) تولید شده پیرامون بستر مورد مطالعه در طول زمان. در ادامه از هر دو روش برای قرائت ادراک مخاطبان استفاده می‌شود.

این پژوهش در سه دوره به خوانش منظر بالاخیابان و پایین‌خیابان در شهر مشهد می‌پردازد: نخست دوره سنت (قبل از پهلوی) با مطالعه اسناد تاریخی و آثار روشنفکری تولید شده در سفرنامه‌ها و...، سپس دوره پهلوی با مطالعه آثار تاریخی و اسناد شهری موجود و سپس دوره بعد از انقلاب اسلامی با استفاده از منابع و اسناد شهری و مصاحبه عمیق با کاربران خیابان (تصویر ۱). در واقع پژوهش حاضر یک مطالعه استنباطی است که با تحلیل منابع مختلف در سه دوره تاریخی ذکر شده به دنبال کشف نقش خیابان در سازمان فضایی یا همان منظر خیابان است. تحقیق کیفی با متن سروکار دارد. روش‌های گردآوری اطلاعات، مصاحبه یا مشاهده داده‌ها را تولید می‌کنند و این داده‌ها از طریق ضبط و پیاده‌کردن بی‌کم و کاست محتوای آنها به شکل متن درمی‌آیند. با شکل‌گیری این متون نوبت روش‌های تفسیر فرامی‌رسد. راه‌های گوناگونی برای رسیدن به متن در کانون تحقیق و فاصله‌گرفتن از آن وجود دارد. به‌طور خلاصه، می‌توان فرایند تحقیق را به شکل مسیری از نظریه به متن و نیز بازگشت از متن به نظریه ترسیم کرد. فصل مشترک این دو مسیر عبارت است از گردآوری داده‌های بصری و کلامی و تفسیر آنها در قالب یک طرح تحقیق مشخص (فلیک، ۱۳۹۷، ۴).

خط زمان مداخلات در منظر شهری مشهد با تمرکز بر محور بالا و پایین‌خیابان دوره اول: دوره سنت

با توجه به دیدگاه منظر در تفسیر و شناخت شهر به‌صورت

یک کل و با دقت در اینکه بررسی بالاخیابان و پایین‌خیابان، بدون بررسی هسته مرکزی و اصلی شهر ناقص خواهد بود، لذا خط زمان مداخلات شهری هسته مرکزی مشهد به‌صورت یک کل واحد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پیدایش و رشد شهر مشهد مرهون وجود مرقد مطهر حضرت رضا (ع) امام هشتم شیعیان است که در سال ۲۰۲-۲۰۳ ه.ق. به دست مأمون خلیفه عباسی به شهادت رسید (امامی، ۱۳۳۷، ۲۰). رشد شهر تا قرن هفتم که بر اثر هجوم مغول شهرهای بزرگی چون طوس و نیشابور ویران شدند، چندان محسوس نبود ولی پس از آن زمینه رشد و توسعه شهر فراهم شد. از جمله می‌توان به احداث مسجد گوهرشاد در دوره تیموریان اشاره کرد که هم در مقیاس حریم آستان قدس و هم در مقیاس شهری اقدامی ارتقا دهنده بوده است. با روی کار آمدن صفویه و رسمی شدن مذهب شیعه در ایران توسط شاه اسماعیل صفوی، رشد شهر سرعت بیشتری گرفت. حصار اصلی شهر و خیابان‌های عمده معروف به بالا و پایین‌خیابان منتهی به دو دروازه ورودی با همین نام در این دوره ساخته شد. این دو خیابان در راستای یکدیگر یکی به پایین پای مرقد حضرت می‌رسد و دیگری به بالای سر مرقد مطهر. بدین سبب شاید به پایین‌خیابان و بالاخیابان مشهور شده است (کرزن، ۱۳۶۲، ۳۵). رضوانی در کتاب در جست‌وجوی هویت شهری مشهد می‌نویسد: «از مهمترین اقدامات او [شاه عباس صفوی] گسترش صحن عتیق، بازسازی مقبره خواجه ربیع و احداث «خیابان» (پایین‌خیابان و بالاخیابان) مشهد بوده است. احداث خیابان مشهد، پس از خیابان‌های هرات و قزوین، سومین تجربه خیابان‌سازی در ایران بود. در سال ۱۰۱۶ ه.ق. دستور ساخت آن صادر شد و تا سال ۱۰۲۳ ه.ق. احداث آن به طول انجامید. در این سال‌ها به دلیل افزایش جمعیت مشهد و بروز کم‌آبی، با حفر قنات‌هایی و افزودن آب چشمه گلسب به آنها و جاری ساختن آب در این خیابان سه کیلومتری و درخت‌کاری در دو طرف این نهر، این خیابان جدید به یکی از عناصر شهری با اهمیت و جذاب شهر تبدیل شد» (رضوانی، ۱۳۹۴، ۲۲۷-۲۲۸). در سال ۱۰۲۰ ه.ق. این خیابان آن گونه که در طرح اولیه مدنظر بوده، تجسم یافته است. این خیابان «دارای ۲۲ ذرع عرض و ۲۸۰۰ ذرع طول بوده است» (سیدی، ۱۳۷۸، ۳۸۹). هر چند



کدگذاری

تصویر ۱. روش کیفی استخراج منابع بالاخیابان و پایین‌خیابان از طریق مصاحبه‌ها. مأخذ: لک و جلالیان، ۱۳۹۷.

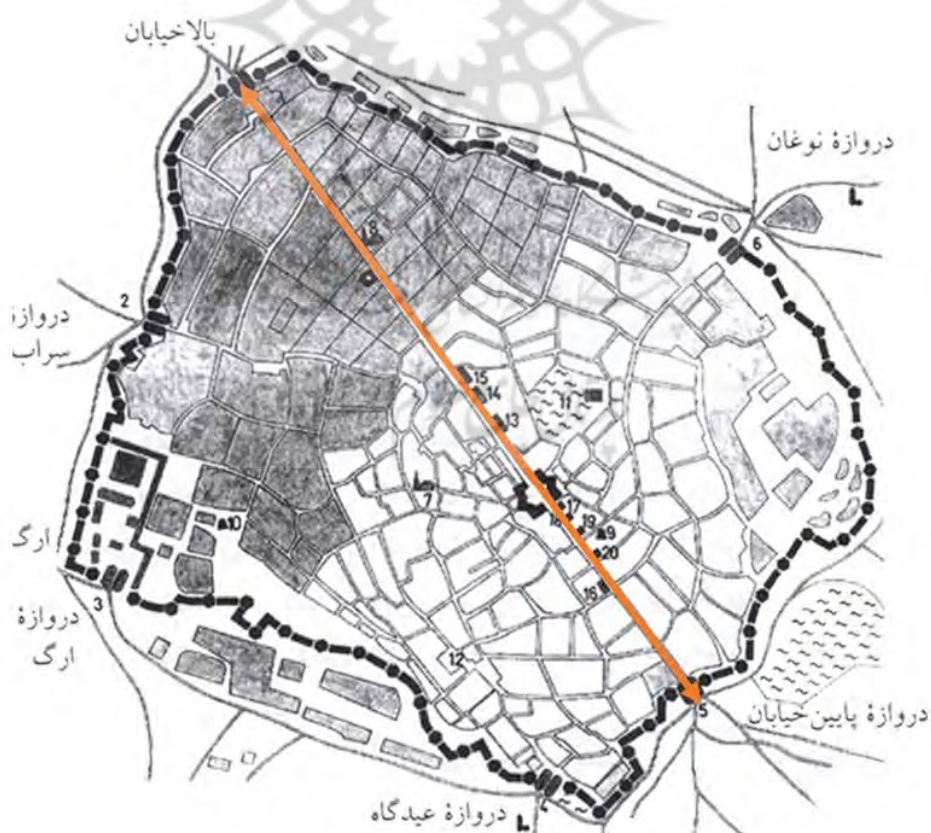
دو سوی خیابانش از کاخ نغز/ لبالب چو بادام توأم ز مغز
 به توصیف او هرچه گویی بجاست/ کزین ره به جنت توان رفت راست
 مگر آسمان، سالک نکته‌دان/ که بست از خیابان کمر بر میان» (جرزی، ۱۳۵۱، ۳۲۶).

بررسی نوشته‌ها در دوره بعد که هر کدام به شرایط زمان خود و منظر خوانش شده اشاره می‌کنند، جالب توجه‌اند. «آرمین وامبری»، جهانگرد مجاری، در اولین روز آذر ۱۲۴۲ وارد مشهد شد، وی در سفرنامه خود می‌نویسد: «مشهد در امتداد خیابان مطول و عریضی به نام پایین‌خیابان به سوی صحن شریف حرکت کردیم. آبراه پهنی که درون شهر پیچاپیچ می‌خورد و در ساحل آن درختانی با سایه دلپذیر کاشته‌اند، منظره‌ای مطبوع پیش چشم می‌نهد؛ در واقع این خصیصه‌ای است که مشهد را یکی از جذاب‌ترین شهرهای ایران کرده است. اجتماع مردمی که نماینده همه گونه نژاد آسیایی و پیرو مذهب شیعه هستند، جالب‌ترین ویژگی را به خیابان‌ها، که آکنده از تیش و ولوله زندگی است، می‌بخشد... در جوار مرقد معظم امام تا چند صد قدم، مرکز گنج‌کننده‌ترین مناظر و

ایجاد بالاخیابان و پایین‌خیابان تغییری محسوس در گرایش رشد بافت شهر به وجود می‌آورد و مجموعه درهم‌تنیده خانه‌ها، کوی‌ها و بازارها را با خطی مستقیم از هم گسست، اما در نهایت باز هم ساختار کلی شهر انسجام خود را حفظ نمود (بهروان، ۱۳۸۰، ۱۱۴). با روی کار آمدن نادرشاه افشار و انتخاب مشهد به‌عنوان پایتخت بر اعتبار و عظمت شهر بیش از پیش افزوده شد (لاکهارت، ۱۳۴۷، ۱۸۰). ساختار کلی شهر در دوره قاجار را می‌توان مجموعه‌ای از بازارها و راه‌های منتهی به حرم مطهر دانست که به دروازه‌ها متصل هستند. ساختاری که به‌واسطه ارتباط محور طوس و مرو، محله‌های شهر را با مجموعه حرم مطهر به وسیله کوچه‌ها و بازارها تقویت کرد (نظامی، ۱۳۵۴، ۲۶) (تصویر ۲).

خوانش منظر بالاخیابان و پایین‌خیابان با استفاده از اسناد تاریخی و آثار روشنفکری

عزالدین علی ابن اثیر جرزی در کتاب خود می‌نویسد که یکی از همراهان شاه عباس دوم در سفرشان به مشهد در وصف خیابان چهارباغ مشهد چنین می‌سراید:
 «ز آن ثانی چرخ چون کهکشان/ کشیده خیابانی انبدر میان



تصویر ۲. تصویر شهر مشهد و محور بالا و پایین‌خیابان در سال ۱۲۷۴ ه.ق. مأخذ: سیدی، ۱۳۷۸.

طرف درختان پیاده‌رو و سپس دکان‌های بازار است که بسیار جالب توجه است» (کرزن، ۱۳۶۲، ۲۱۵-۲۱۶).

• دوره دوم: پهلوی

شهر مشهد در ابتدای دوران پهلوی اول ساختار دوران قاجاری خود را حفظ کرد اما به موجب اجرای سیاست‌های نوین شهرسازی در سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰، ایجاد خیابان‌های جدید و میدان‌های تازه در دستور کار قرار می‌گیرد. خیابانی در جنوب حرم مطهر تحت عنوان خیابان تهران و در قسمت شمالی هم خیابانی با نام طبرسی ساخته می‌شود و در نهایت این چهار خیابان به وسیله رینگ (رینگ اسدی) یاد می‌شود به یکدیگر متصل می‌شوند. نکته حائز اهمیت در این دوره آن است که برای اولین بار رینگ ترافیکی و چهار خیابان اصلی، کالبد اندام‌وار بافت را در مقیاس کلان به نفع اتومبیل تحت تأثیر قرار داده بود. با این حال، ساختار شهر در مقیاس متوسط محلات هنوز به شالوده تاریخی و ارگانیک خود وفادار مانده است (نظامی، ۱۳۵۴، ۲۶)، (تصاویر ۳ و ۴).

طبق اسناد تاریخی تا قبل از سال‌های «دهه ۱۳۲۰ شمسی» روی نهر وسط خیابان باز بوده و آب جاری آن استفاده می‌شده است. از آن سال‌ها به بعد «ضمن تجدید سنگ‌فرش حیاط صحن عتیق صفوی با سنگ‌های سفید هشت‌ضلعی روی [نهر در] صحن پوشانیده شد. در سال ۱۳۴۵ شمسی شهرداری [نیز] با قطع درختان دو طرف نهر، روی

صداهاست. کثرت عظیمی از مردها در کنار سایه‌بان یا دستگاه اجناس خود یا در جلو مغازه‌ها، در دو طرف خیابان می‌ایستند و یا در خیابان‌ها در حالی که کالاهایشان را بر روی سر یا شانه یا دست حمل می‌کنند، حرکت کرده و راه خود را از میان جمعیت باز می‌کنند... این جمع در حال رفت‌وآمد هستند و از دروازه شهر خارج یا وارد می‌شوند. در همان حال امر مهم زیارت به چابکی و ادای یکنواخت کلمات جریان خود را طی می‌کند. به زائرانی که کار زیارت را به پایان برده‌اند «زیارت قبول» می‌گویند و به آنانی که در آغاز راه هستند «التماس دعا» گفته می‌شود...» (وامبری، ۱۳۷۲، ۲۶۸).

«کنل مک گرگر» اسکاتلندی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد را این‌گونه توصیف کرده است: «وجه مشخصه مشهد خیابانی است کاملاً مستقیم که آبی از میان آن می‌گذرد و دو طرف آن درختکاری وجود داشته است. مردم در این آب هم آبتنی می‌کنند هم لباس‌هایشان را می‌شویند و هم از آن می‌نوشند (مک گرگر، ۱۳۶۸، ۲۵۵).

«لرد کرزن»، دولتمرد انگلیسی، از شباهت خیابان (چهارباغ) مشهد با شانزه لیزه البته از نظر شرقیان سخن گفته است: «آنجا خیابان (یا بولوار) نام دارد و در نظر اهل شرق عین شانزه لیزه باشکوه و جلال می‌نماید. در میان آن کانالی هست ... می‌گویند که لیزه کانال و کف خیابان و پل‌ها در سابق با سنگ ساخته شده بود. ... در دو سمت آن (کانال) به‌صورت نامرتبی درخت چنار و توت و نارون و بید کاشته‌اند. ... در دو



تصویر ۳. محور چهارباغ مشهد و کاربری‌های اطراف آن در دوره پهلوی اول، مأخذ: نماگرفت از مستند نسیان ۱۳۹۶ به کارگردانی حسن آخوندپور.



تصویر ۴. بالاخیابان سال ۱۳۲۰. مأخذ: حقیقت بین و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۶.

باقی می‌ماند. پس از گذشت یک دهه طرح نوسازی اطراف فلکه حضرتی در سال ۱۳۶۷ توسط شرکت خانه‌سازی ایران در محدوده‌ای به وسعت ۵۰ هکتار تهیه می‌شود. در نتیجه، طرح فلکه حضرتی به لحاظ عملکردی در سطح زیرین انجام می‌گرفت به طوری که اساس دسترسی‌های شمالی-جنوبی و غربی-شرقی در این محدوده از این محور انجام می‌شود (پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن، ۱۳۹۷، ۵۷)، (تصویر ۶). در جریان تهیه طرح جامع دوم مشهد توسط مشاور مهران در سال ۱۳۷۲ این‌گونه عنوان می‌شود که مرکز شهر مشهد از یک سو به دلیل وجود مرقد مطهر

آن را پوشانید و «بالاخیابان» و «پایین‌خیابان» از حالت چهارباغ اولیه خود که ریشه در تاریخ کهن مشهد داشت به صورت یک خیابان معمولی درآمد» (ماهوان، ۱۳۸۳ به نقل از حقیقت‌بین، انصاری و پورجعفر، ۱۳۸۸، ۴۳). در سال ۱۳۵۰ برای اولین بار طرح جامع برای شهر مشهد تدوین می‌شود که به طرح خازنی معروف است. در شروع دوران پهلوی دوم که مصادف است با سلسله اتفاقات سیاسی-اجتماعی طرح نوسازی اطراف حرم امام رضا (ع) به صورت داوطلبانه توسط مشاور بور بور در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ تهیه می‌شود. بررسی‌ها از طرح بور بور نشان می‌دهند نظام فضایی و ساختاری تعیین شده در این طرح باز هم متکی بر وجود خیابان است که تأکید بر وجود عناصر شاخص دارد؛ خیابان‌هایی که عموماً در آن اتومبیل به‌عنوان اولویت اول در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر فلکه حضرتی نیز بر پایه همان ساختار شعاعی در پهلوی اول در طرح وجود دارد (پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن، ۱۳۹۷، ۳۵)، (تصویر ۵).

• دوره سوم: بعد از انقلاب اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، عملاً اجرای طرح بور بور متوقف و عرصه سبزی در محدوده بافت اطراف حرم



تصویر ۵. پاکسازی بافت اطراف حرم مطهر در سال ۱۳۵۴ براساس طرح بور بور. مأخذ: پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن، ۱۳۹۷.



تصویر ۶. روند توسعه مجموعه حرم مطهر و احداث زیر گذر در پیرامون آن. مأخذ: پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن، ۱۳۹۷.

مؤید این مطلب است که مخاطبان فضا به طور کلی معنای بالاخیابان و پایین خیابان را در قالب پنج مفهوم کلی تجربه کرده‌اند که در تصویر ۹ به آن اشاره شده است. نکته قابل ملاحظه و تأمل برانگیز از دیدگاه مخاطبان تفاوت درک فضایی استفاده‌کنندگان است. تمرکز فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر مشهد از گذشته تا به حال عموماً از محور بالاخیابان صورت می‌پذیرد و عمده تردد زائران مشهدی از بالاخیابان به سمت حرم مطهر است. اتصال بالاخیابان به میدان شهدا به‌عنوان یک نقطه عطف دسترسی و مبادلات تجاری همواره در ذهن مخاطبان نقش بسته است به گونه‌ای که مصاحبه‌شوندگان بالاخیابان را مکانی مناسب برای خرید سوغات معرفی می‌کنند. نکته قابل توجه این است که بالاخیابان از میدان شهدا به سمت حرم بیشتر مورد استفاده زائران و بخش غربی به سمت میدان توحید (دروازه قوچان) بیشتر در ارتباط با شهر و شهروندان مشهدی است. پایین خیابان را بیشتر با حسینیه‌های تاریخی، حمام‌های سنتی، بیوت علما و مراجع، سراها و بازارچه‌های سنتی اطراف این محور می‌شناسند. نزدیکی به حرم و ارتباط بصری بالاخیابان و پایین خیابان با آستان امام هشتم موجب پررنگ شدن تردد زائران به حرم شده است که در هر دو خیابان از نظر مخاطبان از وجه بصری یکسان به نظر می‌آید. از بین رفتن بافت تاریخی در پایین خیابان و بخشی از بالاخیابان این دو محور را در ذهن مخاطبان بی‌هویت و بی‌اصالت جلوه می‌دهد، به نحوی که مهمترین خاطرات مجاورین مرتبط با بازارهای قدیمی، ساکنان کوچانده شده از بافت و مدارس علمیه و حسینیه‌های تخریب‌شده است. همچنین رکود فضایی خیابان‌های جدید متصل به بالاخیابان و پایین خیابان (شارستان و مستحدثات اطراف آن)، عدم خوانایی به‌واسطه بارگذاری‌های بیش از اندازه و تقطیع امتدادهای بصری در بدنه کالبدی محورها باعث شده است تا مردم آن را فضایی بی‌روح و سرد بخوانند. با تمرکز

امام رضا (ع) از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از سوی دیگر در معرض فشارهای شدید ناشی از تراکم جمعیت و ترافیک و نیز تغییر و تحولات سریع در بافت کالبدی است. پس از طرح مهرآزان و نامه وزیر وقت مسکن و شهرسازی به رهبری طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم مطهر حضرت رضا (ع) در سال ۱۳۷۴ و در محدوده‌ای به وسعت ۳۶۰ هکتار توسط مشاور طاش تهیه می‌شود که رویکرد این مجموعه ویران‌سازی و انهدام بافت موجود و جایگزینی کالبدی نوین را ضروری عنوان می‌کند. پس از مصوبه مربوط به بازنگری طرح نوسازی و بازسازی در کمیسیون ماده ۵ در تاریخ ۱۳/۵/۷۸ مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی در یک بازه زمانی ۱۰ ساله در بافت انجام می‌شود که موجب تغییراتی گسترده در کالبد و نظام اجتماعی-اقتصادی محدوده می‌شود (همان، ۴۵). مستند انتقادی و مردم‌نگارانه نسبیان به کارگردانی حسن آخوند پور و تهیه‌کنندگی پژوهشکده ثامن در سال ۱۳۹۴ با موضوع پیامدهای طرح نوسازی بافت پیرامونی حرم امام رضا (ع) تولید و منتشر شد، انتخاب تصاویر و زوایا برگزیده شده توسط کارگردان از محور بالاخیابان در این مستند، به خوبی تصویر درستی از منظر امروزه بالاخیابان و پایین خیابان به مخاطب ارائه می‌دهد (تصویر ۷). در تصویر ۸ خط زمان مداخلات شهری هسته مرکزی شهر مشهد نشان داده شده است.

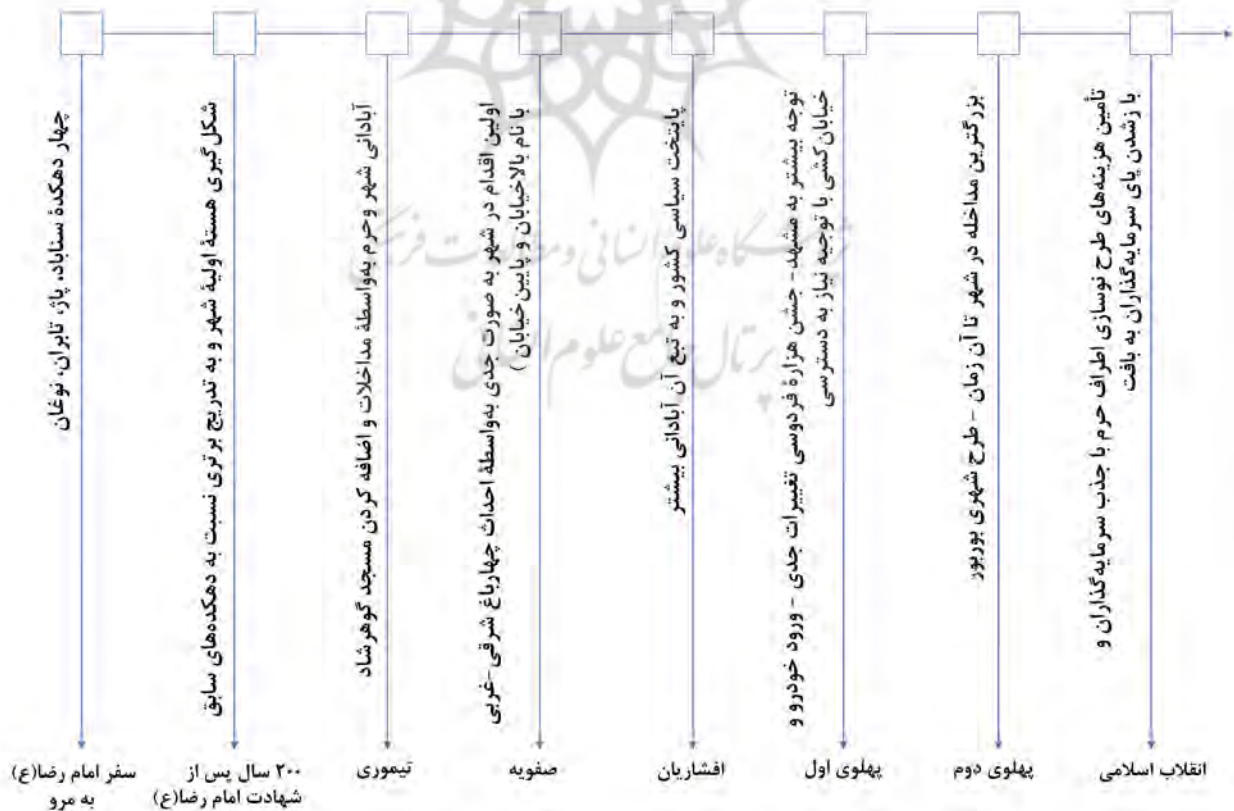
خوانش منظر بالاخیابان و پایین خیابان پس از انقلاب اسلامی از طریق مصاحبه عمیق

این بخش از پژوهش به سازماندهی داده‌ها (مفهوم‌سازی)، طبقه‌بندی مفاهیم (فروگاهی داده‌ها)، تبیین مقولات مطروحه توسط مصاحبه‌شوندگان (مقوله‌پردازی) و ربطدهی به یکدیگر است. فرایند استخراج تم‌ها و مقولات برآمده از این بخش



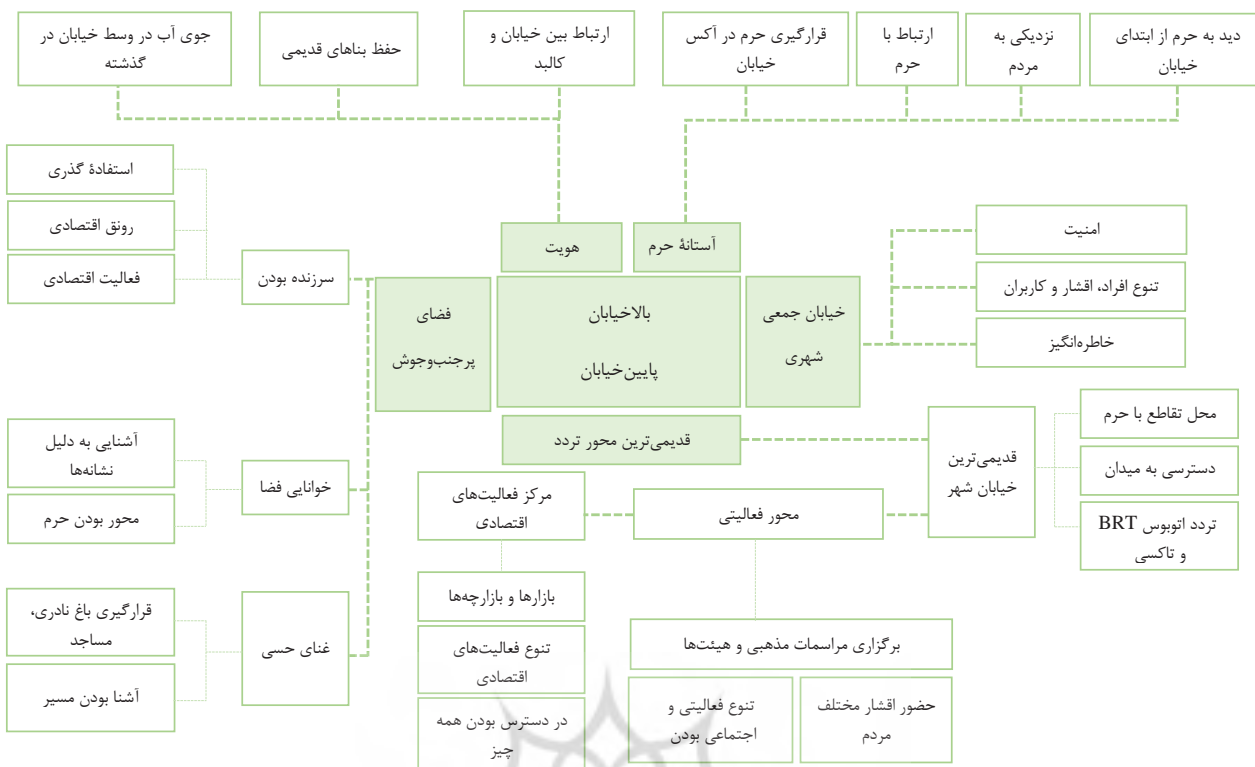
تصویر ۷. محور بالاخیابان تا حرم مطهر پس از اجرای طرح نوسازی بافت اطراف حرم. مأخذ: نماگرفت از مستند نسیان ۱۳۹۶ (به کارگردانی حسن آخوندپور).

خط زمان مداخلات شهری مشهد



تصویر ۸. خط زمان مداخلات شهری هسته مرکزی شهر مشهد. مأخذ: نگارندگان.

خوانش منظر خیابان



تصویر ۹. مدل معنای بالاخیابان و پایین‌خیابان مأخذ: نگارندگان.

حرم مطهر را شکل داده بود. از دوره صفویه همزمان با احداث میدان شهری در مجاورت آرامگاه امام که بعدها صحن عتیق نام گرفت بالاخیابان و پایین‌خیابان احداث شد که دو دروازه شهر را به میدان متصل می‌کردند. همه این اجزا باز هم یک پهنه هویتی و یک کل مستقل را شکل دادند که کاملاً در ارتباط با یکدیگر ایفا نقش کرده و به هیچ عنوان جدا کردن آنها امکان‌پذیر نبود. به تدریج از دوره پهلوی اول همزمان با اجرای سیاست‌های نوین شهرسازی و اقداماتی نظیر احداث خیابان ارگ و میدان مجسمه این پهنه دچار تغییراتی شد. در واقع بخشی از بالاخیابان به واسطه قطع شدن توسط خیابان جدید شهر از پهنه قبلی که در ارتباط با حرم و مرکز شهر بود، جدا شده و پهنه‌ای جدید را شکل داد. به واسطه این مداخلات به تدریج هسته شهر و مرکزیت شهر از حرم مطهر به سمت میدان مجسمه (شهدای کنونی) متمایل شد. اما همچنان بالاخیابان، پایین‌خیابان و حرم مطهر یک کل واحد و یک پهنه را شکل می‌دادند. پس از آن همزمان با ترسیم طرح‌های شهری با احداث میدان حضرتی (فلکه‌ای برای حرکت خودرو به دور حرم) و خیابان‌های جدید و با احداث رینگ سبز به دور حرم برای نخستین بار حرم مطهر از بافت و نظام واحد جدا شد. بالاخیابان و پایین‌خیابان برای حرکت خودرو آماده‌سازی شدند.

بیشتر بر بُعد معنایی مکان، یافته‌های این پژوهش مبتنی بر رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا، پنج مفهوم خیابان جمعی شهری، آستانه حرم، قدیمی‌ترین محور تردد، فضای پرحنوب و جوش، هویت (تصویر ۹) را در تجربه و ادراک معنای مکان مؤثر دانسته است.

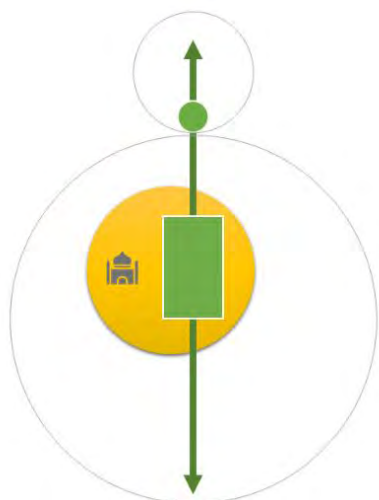
بحث

پس از مطالعه منابع تاریخی، بررسی سفرنامه‌ها و آثار روشنفکری و همچنین تحلیل محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با مردم پیرامون محور بالا و پایین‌خیابان در جدول ۱ به دست‌بندی داده‌ها و اطلاعات براساس سه دوره تاریخی اقدام شده است. با بررسی مبانی نظری و مطالعات تاریخی و میدانی صورت گرفته این‌گونه استنباط می‌شود که منظر بالاخیابان و پایین‌خیابان در سه دوره سنت، پهلوی و دوره بعد از انقلاب اسلامی متفاوت بوده است و در هر دوره بنابر مداخلات صورت گرفته در بافت و این محور، ادراک مخاطبان نیز دچار تغییر و تحول شده است. در ادامه به صورت مجزا در هر دوره منظر خیابان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در دوره سنت از ابتدا حرم مطهر به عنوان مرکز و هسته اولیه شکل‌گیری شهر و بافت منسجم پیرامونی آن شامل بازارها، محلات و راسته‌ها و... نظامی واحد، ارگانیک و پهنه هویتی مستقلی از بافت به مرکزیت

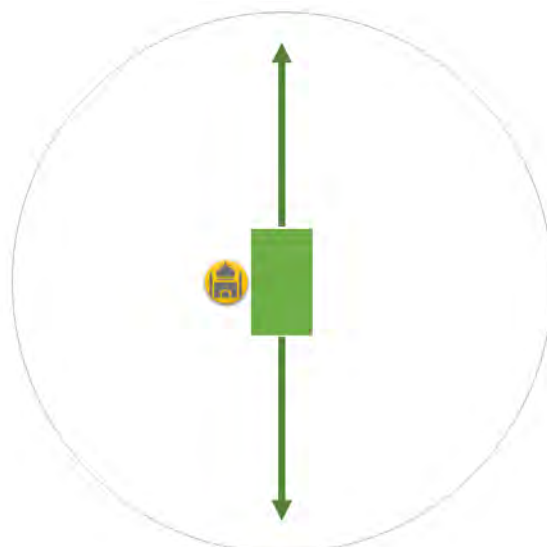
دوره تاریخی	منابع تاریخی	منابع روشنفکری / اسناد شهری	تحلیل محتوا مصاحبه‌ها / اسناد شهری
سنت (قبل پهلوی)	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد زمینه رشد و توسعه شهر یا احداث مسجد گوهرشاد در دوره تیموریان، - ساخت حصار اصلی شهر و دو دروازه ورودی در دوره صفوی، - اولین مداخلات جدی در شهر مشهد با احداث خیابان چهارباغ (بالاخیابان و پایین خیابان) در دوره صفوی، - شکل‌گیری بافت محله‌های اطراف حرم به صورت ارگانیک و همگن، - وجود نظام سلسله‌مراتبی محله، بازار و مکان قدسی، - نظام ارگانیک در بافت. 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد یک محور پویا و سرزنده متشکل از عناصر طبیعی آب و درخت، - دو ردیف درخت چنار در مسیر اصلی خیابان با مغازه‌ها، باغ‌ها و خانه‌ها در طول آن، - وجه مشخصه مشهد خیابانی کاملاً مستقیم است که آبی از میان آن می‌گذرد، مردم در آن آبتنی می‌کنند، لباس‌هایشان را می‌شویند و از آن استفاده می‌کنند. 	-
پهلوی	-	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش فیزیکی شهر و تخریب حصار قدیمی آن در دوره رضاخان، - احداث خیابان ارگ به‌عنوان خیابان جدید شهر در تلاقی با بالاخیابان و ایجاد میدان مجسمه، - تغییر در ساختار محور بالاخیابان و پایین خیابان با اصلاح کانال‌کشی محور آب، - احداث خیابان‌های جدید تهران و طبرسی، - احداث فلکه حضرتی، - تجدید سنگ‌فرش حیاط صحن عتیق صفوی با سنگ‌های سفید هشت‌ضلعی و پوشاندن روی نهر در صحن، - ظهور ماشین و تبدیل شدن خیابان به بلوارهای قابل تردد ماشین، - قطع درختان دو طرف نهر خیابان و پوشاندن روی نهر در سال ۱۳۴۵، - ایجاد رینگ سبز دور حرم مطهر و جداسازی آن از شهر برای اولین بار. 	-
بعد از انقلاب اسلامی	-	<ul style="list-style-type: none"> - احداث زیر گذر، - آغاز طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم و از پاشیده شدن نظام ارگانیک بافت، - تخریب وسیع منازل و مهاجرت ساکنین بومی، - احداث بناهای بدون توجه به معماری بومی، - تبدیل ریزدانه‌های مسکونی به درشت‌دانه‌های تجاری و اقامتی، - از بین رفتن حس تعلق ساکنان، - افزایش ترافیک عبوری خودرو. 	<ul style="list-style-type: none"> - احداث زیر گذر، - آغاز طرح نوسازی و بازسازی بافت پیرامون حرم و از پاشیده شدن نظام ارگانیک بافت، - تخریب وسیع منازل و مهاجرت ساکنین بومی، - احداث بناهای بدون توجه به معماری بومی، - تبدیل ریزدانه‌های مسکونی به درشت‌دانه‌های تجاری و اقامتی، - از بین رفتن حس تعلق ساکنان، - افزایش ترافیک عبوری خودرو.

به‌طور کلی بافت پیرامونی را تحت‌الشعاع قرار داد، احداث رینگ جدید به دور حرم مطهر، تبدیل ریزدانه‌ها به درشت‌دانه‌های تجاری و اقامتی و دیگر اقدامات پهنه‌هایی متعدد و مجزا از هم ایجاد کرد (تصویر ۱۰).

بدین شکل آن پهنه واحد به سه بخش بالاخیابان، پایین خیابان و حرم مطهر به‌صورت جداگانه تقسیم شد. در دوره پس از انقلاب اسلامی مداخلات شهری در ادامه مداخلات پهلوی اما با گستردگی بیشتر و به‌صورت افسار گسیخته ادامه یافت و



دوره پهلوی اول



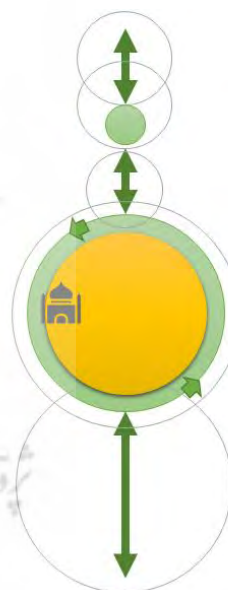
دوره سنت



دوره بعد از انقلاب اسلامی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دوره پهلوی دوم

پهنه هویتی مستقل	
فلکه	
خیابان (محور)	
حرم مطهر	
میدان شهری (صحن)	

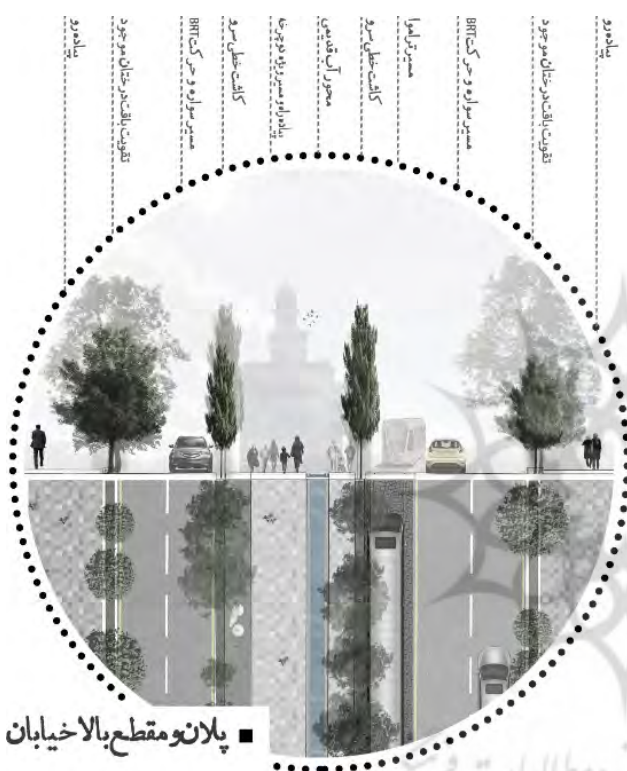
تصویر ۱۰. پهنه هویتی و نظم حاکم بر خیابان در دوره‌های مختلف. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

فصل مشترک همهٔ ویژگی‌های بررسی‌شده در بالا و پایین‌خیابان در طول زمان تا قبل از مداخلات گستردهٔ بافت پیرامونی حرم، توجه به یک مرکز و هویت است که آن را به آستانهٔ ورود به حریم آستان مقدس امام رضا (ع) تبدیل می‌کرد. همهٔ عناصر و اجزای منظر همچون محور آب، باغ‌ها و درختان، شیب محور، تناسب، مقیاس فضا و... همواره در راستای توجه به امر مقدس زیارت بوده‌است. در واقع این محور همیشه نقش دیدرو را ایفا می‌کند که در نقطهٔ توجه به بارگاه امام رضا (ع) می‌رسد. به عبارت دیگر مفهوم مقدس زیارت و در محوریت و اصل قرار گرفتن آن در طول تاریخ مهمترین اصل در تمامی فعالیت‌ها، رفتارها و مداخلات بوده و همین مفهوم به‌صورت کالبد به شکلی متوازن «محوری متعالی» را شکل داده است. بررسی محور مورد مطالعه نشان می‌دهد که مداخلات صورت‌گرفته در دورهٔ معاصر و بالاخص در سال‌های اخیر عمدتاً معطوف به ابعاد عینی فضا بوده است و نسبت به ابعاد ذهنی و معنای آن بی‌توجهی صورت گرفته است. در واقع از هم پاشیده‌شدن عناصر تشکیل‌دهندهٔ کالبدی و فعالیت‌های شکل‌دهندهٔ خیابان در دورهٔ معاصر، اجزای این سیستم که همواره هم‌سو و در جهت هدف واحدی ایفای نقش می‌کردند را، دچار اختلال کرده است. از طرفی اجزای شکل‌دهندهٔ خیابان به‌عنوان یک کل، هم‌سو با اهداف این کلیت واحد عمل نکرده و هر جزء بدون در نظر گرفتن کلیت در برگیرنده و مستقل از آن عمل می‌کند که این امر نظم کلی سیستم و رابطهٔ بین عناصر را به‌طور کلی دگرگون ساخته است. در صورتی که زیرسیستم‌های تشکیل‌دهندهٔ خیابان باید به‌صورت سلسله‌مراتبی هم‌سو با هدف کلی سیستم عمل کنند. به این دلیل منظر بالا و پایین‌خیابان در سال‌های اخیر به‌صورت کلی مخدوش شده و کارکرد و نقش خود را به میزان زیادی از دست داده است. در واقع در دورهٔ سنت پهنهٔ هویتی واحد محور بالاخیابان-پایین‌خیابان و حرم مطهر به‌صورت یک کل ایفای نقش کرده که نظمی ارگانیک روابط بین آنها را شکل داده بود و آنچه باعث شکل‌گیری روابط بین اجزای شهری در این دوره است، نیروهای اجتماعی است. با همین استدلال در دورهٔ پهلوی به‌تدریج به‌واسطهٔ نیروهای دستوری، نظام ارگانیک و واحد، به چند پهنه تقسیم می‌شود. در واقع برآیند نیروهای تأثیرگذار بر اجزای شهری در این دوره از نیروهای اجتماعی به سمت نیروهای حاکمیتی سوق پیدا می‌کند. بعد از انقلاب اسلامی و به‌ویژه در سال‌های اخیر نظام واحدی یافت نمی‌شود و پهنه‌های مجزا و متکثر شکل می‌گیرند

که کمتر نظمی بین آنها قابل قرائت است. در واقع در این دوره نیز مانند پهلوی برآیند نیروهای حاکمیتی و نظم دستوری، منظر خیابان و پهنه را شکل می‌دهد، اما تفاوت آن با دورهٔ قبل در این است که در شرایط کنونی بین نیروهای حاکمیتی و اجتماعی تقابلی شکل گرفته که این امر تضاد منافع زیادی را ایجاد کرده است (جدول ۲). شکل‌گیری کالبد و فعالیت‌ها تا قبل از اقدامات معاصر به‌گونه‌ای منطقی ذیل توجه به نقش اصلی محور، حول آن، بر هر چه پویا و زنده‌تر بودن آن کمک و مجاوران و زائران هماهنگ و متوازن هر کدام نقش خود را ایفا می‌کردند، تا آنکه غلبهٔ دیدگاه مادی و سودآوری اقتصادی در دورهٔ معاصر (بالاخص بیست سال اخیر) باعث می‌شود به‌تدریج شاکلهٔ شهر، بافت و محور از هم پاشیده شده و ساکنان به‌عنوان مهمترین و اصلی‌ترین نقش‌پردازان، به حاشیه رانده شوند. علی‌رغم بحران به‌وجود آمده و تأثیرات مخرب آن بر صورت و کالبد خیابان، قدرت ادراکات ذهن و اندیشهٔ انسان به‌عنوان مخاطب همواره بر ماده غلبه داشته است، به‌طوری که معنای ذهنی آن یا به عبارت بهتر منظر این خیابان هنوز پابرجاست. بنابراین می‌توان گفت محور بالاخیابان و پایین‌خیابان به‌مثابهٔ محوری متعالی در جهت رسیدن به مرکزی ارزشمند در ذهن مخاطبان نقش ایفا می‌کند. نظر به جایگاه خیابان و اهمیت آن در منظر شهر، این محور به‌عنوان یکی از مهمترین و اصیل‌ترین خیابان‌ها در سازمان فضایی شهر، از لایق‌ترین مکان‌ها برای مداخلات به‌منظور ارتقاء منظر شهر محسوب می‌شود که اگر این اقدامات به‌درستی، هم‌سو و در امتداد هویت آن به‌وسیلهٔ متخصصین صورت گیرد، موجب دمیدن روحی مجدد بر پیکرهٔ بافت مرکزی شهر مشهد خواهد شد زیرا مهمترین عنصر منظرین هر شهر، جزئی است که هویت شهر بدان وابسته است. در واقع قابل‌ترین ویژگی منظر هر شهر صفتی است که بدان در ذهن و ادراک مخاطبان شناخته می‌شود. به این معنا که هر اقدامی که موجب تقویت این عنصر شود در واقع کل شهر را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برای ورود به بخش طراحی اولین اقدام ارزیابی و شناخت منظر بالاخیابان و پایین‌خیابان است. منظر شهری بنا بر تعریف ادراک مخاطبان از فضا است که با واسطهٔ نمادها و نشانه‌ها حاصل می‌شود. با فهم معنای یک فضای شهری در ذهن شهروندان (خوانش منظر) و در ساختار شهر، می‌توان مداخلاتی متناسب با شخصیت فضا انجام داد. به عبارت دیگر از تجربه و ادراک مخاطبان می‌توان در خلق، احیا و ارتقای کیفیت معنایی فضاهای شهری امروزی که عمدتاً فاقد معنا هستند استفاده کرده و در نتیجه حس مکان را

دوره (زمان)	سنت (قبل از پهلوی)	پهلوی	بعد از انقلاب اسلامی
پهنه هویتی	واحد	چند پهنه	پهنه‌های متکثر
نوع ارتباط با هم	ارگانیک	ارگانیک-دستوری	دستوری
برآیند نیروها	اجتماع	اجتماع-حاکمیت	حاکمیت



تصویر ۱۱. پلان-مقطع و پرسپکتیو طرح مفهومی و پیشنهادی بالا خیابان. مأخذ: حسین زاده، ۱۳۹۸.

به‌عنوان محصول نهایی طراحی مکان‌های سرزنده و موفق در طراحی فضاهای عمومی شهرهای ایرانی خلق کنند. اقداماتی نظیر احیای محور آب اصیل (نادری)، احیای بافت و پوشش گیاهی، متناسب کردن حرکت سواره و پیاده با اختصاص بخش قابل توجهی از خیابان به فضای پیاده و حمل‌ونقل عمومی، استفاده از حمل‌ونقل عمومی پاک و به‌روز می‌تواند از جمله این اقدامات باشند؛ همان‌گونه که در تصویر ۱۱ طرح مفهومی و پیشنهادی مقطع خیابان ارائه شده است. به‌طور کلی با مطالعه و بررسی نقش و منظر خیابان‌ها در دوره معاصر می‌توان ادعا کرد که سیاست کلی دوره پهلوی دوم و دوره بعد از انقلاب اسلامی در مدیریت خیابان‌ها تقریباً مشابه بوده است؛ به‌طوری که خیابان‌ها را از کل‌های واحد به کل‌های کوچکتری تقسیم کرده‌اند که این امر خود منظر خیابان را مخدوش می‌کند. از نمونه‌های این‌گونه مداخلات، علاوه بر محور مذکور در شهر مشهد می‌توان به خیابان ولیعصر تهران اشاره کرد. علت رویکرد و سیاست مشابه دوره پهلوی دوم و بعد از انقلاب اسلامی را می‌توان در پیروی از طرح جامع جست‌وجو کرد. اساساً رویکرد مدرنیستی طرح جامع به خیابان بدین‌گونه است که صرفاً آن را اتصال‌دهنده زون‌های کارکردی شهر مدرن می‌داند. این سیاست در دوره بعد از انقلاب اسلامی به اوج خود رسیده به‌طوری که برای خیابان نقشی به جز نقش عبوری و ترافیکی تصور نمی‌شود. علت این اوج‌گیری را می‌توان فقدان رویکردی مشخص دانست که نتیجه تناقض دیدگاه مدرنیستی طرح جامع با دیدگاه ایدئولوژیک مدیریت شهری بعد از انقلاب اسلامی (مفاهیمی مانند شهر عدالت‌محور، شهر اسلامی یا...) دانست.

فهرست منابع

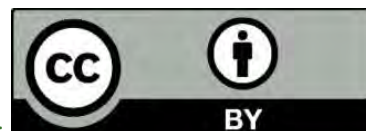
- آتشی، منوچهر. (۱۳۸۶). مجموعه اشعار منوچهر آتشی. تهران: انتشارات نگاه.
- آتشین‌بار، محمد؛ منصور، سید امیر و شیبانی، مهدی. (۱۳۹۱). نظم عنصر اصلی در تحلیل علمی منظر خیابان. باغ نظر، ۹(۲۳)، ۹۳-۱۰۲.
- امامی، سید کاظم. (۱۳۲۷). مشهد طوس. تهران: انتشارات کتابخانه ملک.
- بهروان، حسین. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زیارت (با تأکید بر نیازهای زائران در حرم امام رضا (ع)). مشکوه، ۷۲ و ۷۳، ۸۷-۱۰۲.
- پژوهشکده نوین شهر معنوی ثامن. (۱۳۹۷). آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری بافت پیرامون حرم مطهر حضرت رضا (ع) (طرح پژوهشی).

- جزری، عزالدین علی ابن اثیر. (۱۳۵۱). قصص الخاقانی (الکامل فی التاريخ الاسلام و الايران) (ترجمه ابوالقاسم حالت). تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.
- حسین‌زاده، مهدی. (۱۳۹۸). بازطراحی میدان شهدا به‌مثابه فضای جمعی سرزنده با رویکرد منظر (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد معماری منظر). دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
- حقیقت‌بین، مهدی؛ انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد در عصر صفویه (۱۰۲۲-۱۰۱۶ هـ.ق). پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)، ۱(۴)، ۳۷-۵۴.
- رضوانی، علیرضا. (۱۳۹۴). در جست‌وجوی هویت شهری. مشهد: وزارت مسکن و شهرسازی.
- سیدی، مهدی. (۱۳۷۸). تاریخ شهر مشهد (از آغاز تا مشروطه). تهران: جامی.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۷). درآمدی بر تحقیق کیفی (ترجمه هادی جلیلی). تهران: نی.
- کرزن، جرج. (۱۳۶۲). ایران و قضیه ایران (ترجمه وحید مازندرانی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاکهارت، لورنس. (۱۳۴۷). مشهد (ترجمه عباس سعیدی رضوانی). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲(۲ و ۳).
- لک، آزاده و جلالیان، سحر. (۱۳۹۷). تجربه معنای مکان فضای شهری: کاربرد تحلیل محتوای کیفی در کشف معنای «باغ فردوس». مطالعات معماری ایران، ۱۳(۱)، ۷۱-۸۸.
- مک گرگر، سی. ام. (۱۳۶۸). شرح سفری به ایالت خراسان (ج. دوم) (ترجمه اسدالله توکلی طبسی). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه جلال) (تاریخ ایران در روزگار شاه عباس صفوی) (ترجمه مقصودعلی صادقی). تهران: نگارستان اندیشه.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چيستی منظر شهری (بررسی تاریخی تحولات مفهومی منظر شهری در ایران). منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- نظامی، ابوالقاسم. (۱۳۵۴). بررسی محلات شهر مشهد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- وامبری، آرمین. (۱۳۷۲). زندگی و سفرهای وامبری، دنباله سیاحت درویشی دروغین (ترجمه محمدحسین آریا). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Koohsaria, M.J., Sugiyama, T., Shibata, A., Ishii, K., Liaoe, Y., Hanibuchif, T. Oka, K. (2017). Associations of street layout with walking and sedentary behaviors in an urban and a rural area of Japan. Health & Place, 45, 64-69.
- Lazarevic, E.V., Kekovic, Z. & Antonic, B. (2017). In search of the principles of resilient urban desin: implementability of the principles in the case of the cities in Serbia. Energy and Buildings, 158, 1130-1138.
- Lenzholzer, S., Klemm, W. & Carolina, V. (2018). Qualitative methods to explore thermo-spatial perception in outdoor urban spaces. Urban Climate, 23, 231-249.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حسین‌زاده، مهدی؛ آتشین‌بار، محمد و علایی، پوریا. (۱۴۰۰). خوانش منظر خیابان، بالاخیابان و پایین‌خیابان شهر مشهد به‌مثابه آستانه تشریف به حرم رضوی (ع). منظر، ۱۳(۵۷)، ۶۴-۷۷.



DOI: 10.22034/MANZAR.2021.286699.2130
URL : http://www.manzar-sj.com/article_140623.html